

## بررسی فقهی حقوقی تمکین زوجه و تأثیر آن در سبک زندگی اسلامی

<sup>۱</sup> حکیمه اسفندیاری، محمد رضا کدخدایی<sup>۲</sup>

### چکیده

تمکین زوجه، بعدی از ابعاد روابط خانوادگی است که اهمیت زیادی دارد. بررسی فقهی و حقوقی تمکین زوجه نشان می‌دهد که تمکین دو جنبه عام و خاص دارد که زوجه در برابر حقوقی مانند نفقة و تأمین مخارج زندگی خود در مقابل زوج، تکالیفی برعهده دارد. حق استمتاع و بهره‌وری جنسی زوج، تمکین خاص و خروج از منزل، تمکین عام است. هدف از نوشتمن پژوهش حاضر آشنایی با ابعاد فقهی و حقوقی تمکین زوجه، رسیدن به کمال زوجین و اعضای آن و درنهایت جامعه است. نوشتمن حاضر باستفاده از ادله فقهی، قرآن و روایات و... حقوق تمکین زوجه و تأثیر آن در سبک زندگی اسلامی را با روشن توصیفی- تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای بررسی می‌کند. از پژوهش حاضر به دست آمد که فرمانبری زنان از مردان در امور جنسی مورد اتفاق همه دانشمندان فقهی است. تمکین زوجه، تعالی و پیشرفت در سبک زندگی اسلامی، لقای الهی و بصیرت و آرامش روانی زوجین را به دنبال دارد.

**واژگان کلیدی:** تمکین، سبک زندگی اسلامی، سرپرستی، خانواده، فقه و حقوق.

۱. دانش پژوه دکتری فقه خانواده، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Hakima.esfandyari@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران / مدیر گروه مطالعات جنسیت و خانواده مؤسسه شناخت، قم، ایران.

Email: mohammadkadkhodaee@yahoo.com

## ۱. مقدمه

نهاد خانواده یکی از مهمترین نهادهای نظام اجتماعی است. به همین دلیل، اسلام برای هریک از اعضای آن، وظایف و حقوقی تعیین کرده است. حقوق زوجین که پایه و اساس خانواده هستند باهم یکسان نیستند. منشأ و راز این تفاوت‌ها وضع طبیعی زن و شوهر و خصایص جسمانی و روانی آنهاست. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می‌گوید: «آفرینش انسان چنان بوده که زن و مرد در ساختمان طبیعی بدن مکمل یکدیگرند و هریک به تنها ی ناقص و نیازمند دیگری‌اند. این نیاز موجب می‌شود که زن و مرد به سوی یکدیگر حرکت کنند و سکونت و آرامش یابند. وی این امر را از بزرگ‌ترین و آشکارترین نعمت‌ها و موهبت‌های عالم طبیعت می‌داند که ساختمان جامعه بشری بر آن استوار و موجب پیدایی تعاون و همکاری میان افراد می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۲۸۵/۴). حق شوهر بر زن، جایگاه ویژه و خاصی دارد. بسیاری از مفسران براین باور هستند که یکی از امور مترتب بر قوامیت مرد، اطاعت افراد خانواده از جمله زنان از مرد است.

صاحب تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه «ولهن مثل الذى عليهن بالمعروف وللرجال عليهن درجة» (بقره: ۲۲۸) می‌فرماید: «چون اسلام شریعت خود را براساس فطرت و خلقت بنا کرده معروف از نظر اسلام همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از راه فطرت به یک سو نشده و از حد نظام خلقت منحرف نگردیده باشند و یکی از احکام چنین اجتماعی این است که تمامی افراد و اجزای اجتماع در هر حکمی برابر و مساوی باشند و درنتیجه احکامی که علیه آنهاست برابر باشد با احکامی که به نفع ایشان است، البته این تساوی را باید با حفظ وزنی که افراد در اجتماع دارند رعایت کرد. آن فردی که تأثیر در کمال و رشد اجتماع در شئون مختلف حیات اجتماع دارد باید با فردی که آن مقدار تأثیر را ندارد فرق داشته باشد. برای مثال باید برای شخصی که حاکم بر اجتماع است حکومتش محفوظ شود و برای عالم، علمش و برای جاهل جهلهش و برای کارگر نیرومند، نیرومندی اش و برای ضعیف، ضعف‌ش در نظر گرفته شود. آن‌گاه تساوی را درین آنها اعمال کرد و حق هر صاحب حقی را به او داد و اسلام بنابر همین اساس، احکام‌له و علیه زن را جعل کرده، آنچه از احکام که له و به نفع اوست با آنچه که علیه و بر ضد اوست

مساوی ساخته و در عین حال، وزنی را هم که زن در زندگی اجتماعی دارد و تأثیری که در زندگی زناشویی و بقای نسل دارد در نظر گرفته است و معتقد است که مردان در این زندگی زناشویی یک درجه عالی بر زنان برتری دارند و منظور از درجه، همان برتری و منزلت است. از اینجا روشی می‌شود که جمله «و للرجال عليهن درجه» قیدی است که متمم جمله سابق است و با جمله قبلی روی هم یک معنا را نتیجه می‌دهد و آن این است که «خدای تعالی میان زنان مطلقه با مردانشان رعایت مساوات را کرده است. درجه و منزلتی را هم که مردان بر زنان دارند منظور داشته است، پس آن مقدار که له زنان حکم کرده است همان مقدار علیه آنان حکم کرده نه بیشتر».

(علامه طباطبائی، ۱۳۷۴/۲، ۳۴۹)

تمکین مهمترین دلیلی است که در باب سرپرستی خانواده و لزوم اطاعت‌پذیری زوجه در مسائل جنسی بدان تمسک می‌شود. آدمی همواره با ازدواج به روابط جنسی خود نظم و نظام بخشیده و از هرج و مرج جنسی جلوگیری کرده است. جامعه شناسان، تنظیم رفتارهای جنسی را یکی از کارکردهای خانواده می‌دانند. (بستان، ۱۳۹۰) تاکنون تحقیق‌های متعددی در مورد لزوم تمکین زوجه از زوج شده است، ولی هیچ تحقیقی، تأثیر آن را در سبک زندگی اسلامی بررسی نکرده است. پژوهش حاضر ابتدا مفاهیم مهم و سپس لزوم تمکین زوجه در فقه و حقوق در کتاب، سنت و اجماع اثبات و بررسی می‌شود. سپس برخی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و تأثیر این اطاعت‌پذیری در این مؤلفه‌ها بررسی شده است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۱-۲. تمکین

تمکین در لغت از مصدر فعل م肯 یمکن تمکین و به معنای قدرت سلطنت دادن، فرمانبری و تن در دادن است. (جرجانی، ۱۴۰۳، ۹۲/۱؛ حسینی زبیدی، بی‌تا، ۱۹۱/۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۱۲/۳) در قرآن آمده است: «و نمکن لهم في الأرض؛ و ایشان را در سرزمین مستقر گردانیدیم و سلطه و حکومتشان دادیم» (قصص: ۶). مراد از تمکین در اصطلاح این است که زن برای استمتاع، خود

را در اختیار شوهر قرار دهد و استمتاع شوهر از خود را جز در موارد وجود مانع عقلی یا شرعی محدود به زمان یا مکان و یا کیفیت خاصی نکند (نجفی، ۱۴۱۷/۳۱، ۳۰۳). چنانچه زن تن دردادن به عمل زناشویی را به زمان و مکان دیگری موكول کند تمکین حاصل نخواهد شد (طوسی، ۱۴۲/۲، ۱۳۸۷).

### ۳. ادله لزوم تمکین زوجه در فقه

تمکین زوجه از امور مسلم نزد پیروان دین اسلام است. چه بسا برخی بر این باور هستند که از ضروری دین و فقه است.

#### ۱-۳. کتاب

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض...؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری هایی که خداوند از نظر نظام اجتماع برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق هایی که از اموالشان در مورد زنان می کنند و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند و در غیاب همسر خود، اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنها قرار داده است، حفظ می کنند و اما آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید و اگر مؤثر واقع نشد در بستر آنها دوری نمایید و اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادرار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود آنها را تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند راهی برای تعدی بر آنها نجویید». (نساء: ۳۴)

در این آیه بعد از بیان حقوق و تکالیف همسران نسبت به یکدیگر در مقابل عدم اطاعت زوجه و عصيان او راهکار و مجازات شرعی درنظر گرفته شده است. اگر تمکین، تکلیف و واجب نبود به طورقطع، چنین مجازات و ضمانت اجراهایی برای آن درنظر گرفته نمی شد. (صابونی، ۱۴۰۰/۱، ۴۶۳)

«نساؤکم حرث لكم فأتوا حرثکم أنى شئتم و قدمو لأنفسكم؛ زنان شما محل بذرافشانی شما هستند، پس هر زمان که بخواهید، می توانید با آنها آمیزش کنید». (بقره: ۲۲۳)

### ۱-۱-۳. نظر فقهاء

این آیه بر لزوم تمکین زوجه از زوج دلالت دارد. ظاهر آیه بیانگر حقوق زوجین نسبت به حق تمتعات جنسی است. این آیه دال و لزوم تمکین زوجه از زوج است؛ زیرا آیه در مقام تجویز هرگونه استمتاع متعارف و معقول زوج از زوجه است. برخی از مفسران می‌گویند: «اگر کلمه انى زمانیه باشد (زیدان، ۱۴۱۹) توسعه در آمیزش جنسی با زنان برداشت می‌شود که شامل تمام ساعات شبانه روز است؛ یعنی هر ساعتی آمیزش جنسی مجاز است و اگر مکانیه باشد منظور توسعه در مکان و کیفیت آمیزش است» (مقدس اردبیلی، بی‌تا؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴۲/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۵۸۹/۱). فقهاء براساس این آیه، تمکین را با عدم مانع عقلی و شرعی برزن واجب می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴/۳۰۷). از نظر فقهی، زوجه باید از زوج در امور جنسی تمکین کند. استمتاع، حق زوج است به همین دلیل، زوجه مکلف است براساس خواسته زوج برای استمتاع، تمکین کند (حلی، بی‌تا، ۴۰/۲). این حکم از نظر زمانی و مکانی مطلق، بلکه عام است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲۹۱/۲). با توجه به اینکه هدف برقراری عقد نکاح، استمتاع جنسی است برخی از فقهاء نیز آن را نه تنها یک حق، بلکه یک حق با تمام ویژگی‌هایش می‌دانند که شامل قابلیت مطالبه و الزام اسقاط است و حتی نسبت به اینکه ذی حق، مرد باشد یا زن، تفاوت قائل نشده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۱۱/۶؛ طوسی، ۱۳۸۷؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۴۵/۸).

### ۲-۳. سنت

در مورد بحث لزوم تمکین زوجه دو نمونه روایات مطرح شده است. اول، روایت‌هایی که در ذیل تفسیر آیه ۲۲۳ بقره آمده است؛ دوم، روایت‌هایی که مضمون آنها بر لزوم تمکین زوجه دلالت دارد.

### ۳-۲-۱. روایت‌های ذیل تفسیر آیه ۲۲۳ بقره

در تفسیر این آیه روایت‌های ذیل آمده است که برخی «أنى شئتم» را به آمیزش از فرج اختصاص می‌دهند مانند «عن زراة عن أبى عبد الله علیه السلام قال: سأله عن قول الله تعالى نساؤكم حرث لكم فأتوا حرثكم أنى شئتم قال: من قبل؛ زراره گوید: از امام علیه السلام در مورد آیه «نساؤكم حرث لكم فأتوا

حرثکم أَنِي شَيْتُم» سؤال کردم. حضرت پاسخ داد: منظور، آمیزش از طریق فرج است». (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۹/۱۰۱) روایتی از امام رضا علیه السلام نیز به این مضمون دلالت دارد که منظور آمیزش از فرج است. عمر بن خلاد می‌گوید: امام رضا علیه السلام از من پرسید: «أَيْ شَيْءٍ يَقُولُونَ فِي إِتْيَانِ النِّسَاءِ فِي أَعْجَازِهِنَّ؟ قَلْتُ: إِنَّهُ بِلْغَنِي أَنَّ أَهْلَ الْمَدِينَةِ لَا يَرَوْنَ بِهِ بِأَسَا. فَقَالَ: إِنَّ الْيَهُودَ كَانُوا تَقُولُونَ إِذَا أَتَى الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ فِي خَلْفِهَا خَرْجَ الْوَلَدِ أَحْوَلَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجْلَ نِسَاءُكُمْ حَرْثَ لَكُمْ فَأَتَوْا حَرْثَكُمْ أَنِي شَيْتُمْ مِنْ خَلْفِ أَوْ قَدَامِ خَلْفَ الْيَهُودِ وَلَمْ يَعْنِ فِي أَدْبَارِهِنَّ؛ آنَهَا (مردم) در مورد آمیزش با زنان از نشیمنگاهشان چه حکم می‌کنند. به حضرت پاسخ دادم: به من خبر رسیده که مردم مدینه اشکالی در آن نمی‌بینند. حضرت فرمود: یهود قائل بودند که اگر مرد با همسر خود از پشت آمیزش کند فرزند آنها لوح می‌شود، پس خداوند آیه «نِسَاءُكُمْ حَرْثَ لَكُمْ فَأَتَوْا حَرْثَكُمْ أَنِي شَيْتُم» را نازل کرد؛ یعنی برخلاف نظر یهود می‌توانید چه از پشت یعنی، مقاربت از فرج، اما طوری که مرد، پشت زن باشد و چه از جلو با زنان آمیزش کنید و معنای آن، دیر (پشت) نیست» (شیخ عاملی، ۱۴۱/۲۰، ۱۴۱۶).

روایت‌هایی که «أَنِي شَيْتُم» را به نزدیکی از فرج اختصاص نمی‌دهد. عبدالله بن ابی‌عفور می‌گوید از امام صادق علیه السلام: «عَنْ إِتْيَانِ النِّسَاءِ فِي أَعْجَازِهِنَّ. قَالَ: لَا بِأَسَا بِهِ، ثُمَّ تَلَاهُتْهُ الْآيَةُ نِسَاءُكُمْ حَرْثَ لَكُمْ فَأَتَوْا حَرْثَكُمْ أَنِي شَيْتُمْ قَالَ: حِيثُ شَاءَ؛ دَرْبَارَهُ دَخْلُونَ فِي مَقْعِدِ زَنَانِ پَرْسِيدَمْ، فَرِمَوْدَ: اشکالی ندارد، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «نِسَاءُكُمْ حَرْثَ لَكُمْ فَأَتَوْا حَرْثَكُمْ أَنِي شَيْتُم» فرمود: هرجا خواست» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۲۰/۱۴۷). گفته می‌شود عبارت «أَنِي» در زمان و مکان استعمال می‌شود و در این آیه، مطلق آمده است. بنابراین، به مردان حق هرگونه بهره‌وری از زن را می‌دهد. مردان در هر زمان و مکانی، هرنوع استمتاعی را می‌توانند از همسر خود داشته باشند (حلی، ۱۴۱۰، ۲/۶۰۷). برخی روایت‌هایکه در تفسیر آیه وارد شده است نیز این اطلاق را تأیید می‌کند (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۴/۱۰۲).

اول، آیه در مقام رفع حظر است؛ یعنی وقتی ممنوعیت ایام حیض مرتفع شد استمتعان در هر زمان و مکان یا به هر شکل، ممنوع نیست، اما آیه در صدد اثبات این است که تمام انواع استمتعان در هر زمان و مکانی حق مرد است یا تکلیف زن نیست. به تعبیر دیگر، اطلاق آیه برای جواز و رفع حظر است نه برای اثبات حق یا تکلیف. به قدر متیقن یعنی باید به نزدیکی از فرج اکتفا کرد (موسوی خویی، بی‌تا، ۱۳۱/۱)؛ دوم، آیه در صدد بیان این است که زنان برای بقای نسل مانند حرث هستند و بقای نوع، تقيید زمانی یا مکانی برنمی‌دارد. بنابراین، در صدد اثبات حق استمتعان برای مرد به صورت مطلق نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰/۲، ۲۱۲/۲)؛ سوم، ظهرور «إنی» در زمان است و نسبت به مکان یا امور دیگر ظهوری ندارد تا بتوان از آن استفاده اطلاق کرد (موسوی خویی، بی‌تا، ۱۳۱/۱)؛ چهارم، روایت‌هایی که در ذیل آیه ۲۲۳ سوره بقره آمده‌اند همه مرسلاً (موسوی خویی، بی‌تا، ۱۳۱/۱) و معارض یکدیگر هستند. بنابراین، نمی‌توان در تفسیر آیه به آنها استناد کرد (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۰۲/۱۴).

### ۲-۳-۲. روایت‌های با مضمون لزوم تمکین زوجه

- محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام : «ما حق الزوج على المرأة فقال: ولا تمنعه نفسها وإن كانت على ظهر قتب؛ يكى از حقوق شوهر بزن آن است که خود را ازا او دریغ مدارد ولو بر پشت ناقه باشد».

- امام صادق علیه السلام فرمود: «اتت امرأه الى رسول الله فقالت: ما حق الزوج على المرأة؟ قال: ان تجبيه الى حاجته وان كانت على قتب ولا تعطى شيئا الا باذنه فان فعلت فعلتها الوزر وله الاجر ولاتبیت لیله وهو علیها ساخط قالت يا رسول الله وان كان ظالما؟ قال: نعم؛ زنی نزد رسول خدا علیه السلام آمد و پرسید حق شوهر چیست، فرمود: او را اجابت کند ولو بر پشت شتر باشد. مالی را بدون اذن او نبخشد، اگر چنین کند ثواب آن به شوهر رسد و عقابش بر زن است و اینکه شبی را به صبح نرساند درحالی که شوهر از او ناخشنود است. زن گفت: اگرچه شوهر ظالم است، فرمود: بلى».

(حرعاملي، ١٤١٦/٢٠، ١٥٨)

- عن ابی جعفر علیہ السلام قال: «قال رسول الله علیہ السلام للنساء: لاتطولن صلاتکن لتمعنن ازواجکن؛ رسول خدا علیہ السلام فرمود: نمازتان را طولانی نکنید که شوهرانتان را از (خود) منع کنید». (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۱۷، ۱۲۶، ۵۰۸/۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱۱۲/۱۴)

- عن ابی عبدالله علیہ السلام قال: «ان امرأه انت رسول الله علیہ السلام بعض الحاجه فقال لها لعلك من المسوفات قالت وما المسوفات يا رسول الله علیہ السلام؟ قال: المراه التي يدعوها زوجها البعض الحاجه فلا تزال تسويفه حتى ينعش زوجها فينام فتلک التي لا تزال الملائكة تلعنها حتى يستيقظ زوجها؛ زنى نزد رسول خدا علیہ السلام آمد و تقاضای داشت. حضرت فرمود: نکند تواز (مسوفات) هستی، گفت: آنها کیانند، فرمود: زنى که شوهرش او را برای نیازی می‌خواند و او شوهر را سرمی‌گرداند تا خوابش برد. این زن را فرشتگان لعنت می‌کنند تا زمانی که بیدار شود». (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۶۵/۲۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۵۰۸/۵)

در میان این روایات، حدیث صحیح السند نیز وجود دارد اگرچه بسیاری از آنها با موازین رجالی منطبق نیست و اعتبار رجالی ندارد و به ویژه آنها که دلالت روشن‌تری دارد از نظر سنده مشکل مواجه است. مثل حدیث دوم که ابن ابی حمزة مشکل دارد. سخن با فرض صحت به دلالت آنها اختصاص داده می‌شود. در این روایت‌ها اطلاقی دیده نمی‌شود. بدین معنا که شوهر هرگاه از زن خواهشی داشت او باید اجابت کند. به گونه‌ای که اگر زن از نظر جسمی، روحی و روانی آمادگی ندارد باز هم بر او واجب باشد اجابت خواسته شوهر کند، بلکه این روایات به زن توصیه می‌کند از روی عناد و لجاجت به شوهر جواب نفی ندهد. شواهدی برای مطلب در این احادیث وجود دارد که عبارتند از:

- در برخی از این احادیث کلمه منع به کار رفته است مثل حدیث اول و سوم. ظهور این کلمه آن است که بدون هیچ عذر و بهانه پاسخ منفی دهد. اگر زن هیچ عذری ندارد و تنها از روی عناد و لجاجت شوهر را بازمی‌دارد این منع است.

- تعبیر طولانی کردن نماز در حدیث سوم یا مسوفه بودن در حدیث چهارم نیز دلالت دارد که زن بدون دلیل می‌خواهد از خواسته شوهر شانه خالی کند.

برخی از فقهاء تصريح کرده‌اند که در ادلہ، اطلاقی نیست. نصوصی که بر وجوب اطاعت زن از شوهر در امور جنسی دلالت دارد خالی از اجمال نیست؛ زیرا به ضرورت نمی‌توان در هر کار از جمله استمتاع، به آن احادیث تممسک جست. روایاتی که زن را عبہ مرد یا ریحانه مرد معرفی می‌کنند نیز اطلاقی ندارد که هر استمتاعی را بگوید. همین طور است روایاتی که دلالت دارد زن باید خواسته شوهر را اجابت کند «ولو کانت علی ظهر قتب» (حکیم، بی‌تا، ۶۴/۱۴؛ طباطبایی، ۱۴۲۴، ۸۰۸/۲). برخی از احادیث، بهانه‌تراشی زن و مرد را در استمتاع ناروا می‌دانند و از آن بازمی‌دارد (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۳۷/۱۴).

### ۳-۳. اجماع

سومین دلیلی که می‌توان بدان تممسک کرد اجماع است. اینکه تمکین زن از حقوق شوهر و برزن واجب است امری مسلم است و در آن دعوای اجماع نیز شده است. صاحب جواهر مدعی اجماع شده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۳/۳۱) حد و مرز این تمکین مورد اجماع نیست. به تعبیر دیگر، ادعای اجماع بر اینکه تمکین به‌طور مطلق برزن واجب است آن‌گونه که در کلام شهید ثانی آمده، بی‌اساس است (عاملی، ۱۴۱۳، ۵۸۴/۱؛ عاملی، بی‌تا، ۱۲۲/۲). دعوای اجماع بر چنین اطلاقی بی‌وجه است؛ زیرا با وجود روایات قبل، اجماع مدرکی است و فقهایی که چنین دعوا بی‌داشته باشند بر آن احادیث تکیه کرده‌اند. همچنین مسئله با این گستردگی در کلام فقهای متقدم مطرح نشده است تا بتوان از توافق آرا به اجماع دست یافت. برخی فقهاء به صراحة یا تلویح، مخالف چنین اطلاقی هستند و با وجود مخالفت آنها نمی‌توان مدعی اجماع شد همانند شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۳/۶).

صاحب جواهر نیز برخی از آنچه را فقهاء در قالب تمکین کامل پذیرفته‌اند بی‌دلیل خوانده و نمی‌پذیرد. ایشان وجوب ابراز لفظی را بدون دلیل می‌دانند و تمکین را بر آن متوقف نمی‌کند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۷/۳۱) اجماع نقل شده، نسبت به مترتب بودن نفقه بر تمکین است نه بر وجوب تمکین و تعیین حد و مرزان. عبارت جواهر در نقل اجماع چنین است: «انما الكلام فى

الشرط و قدر النفقه واللواحق واما الشرط المتفق عليه فاثنان، الاول ان يكون العقد دائمًا فلا نفقه لذات العقد المنقطع اجماعا بقسميه كما عرفته فيما تقدم والثانى التمكين الكامل و هو التخلية بينها و بينه على وجه به يتحقق عدم نشوتها الذى لا خلاف فى اعتباره فى وجوب الانفاق بل الاجماع بقسميه عليه» (نجفى، ۱۴۰۴/۳۱، ۳۰۳).

سخن در شروط، اندازه و ملحقات نفقه است. شرایط مورد اتفاق عبارتند از: الف) عقد دائم باشد. براین اساس، در عقد موقت نفقه نیست و اجماع دلالت دارد. ب) تمکین کامل؛ یعنی زن میان خود و شوهر حائلی نگذارد، آن حیلولتی که سبب نشوza است. این نیز شرطی است اجمالی. دو مطلب دیگر در مورد این ادله درخور درنگ و تأمل است: الف) اگر اطلاق ظاهری ادله گذشته تام باشد به طورقطع از بسیاری موارد انصراف دارد. ب) برفرض اطلاق، مواردی که موجب ایذا شود و با ادله حرمت ایذا مؤمن و مسلم باشد باید تخصیص بخورد و نمی‌تواند قائل به تعمیم و شمول ادله شود. نتیجه آنکه این ادله حد و مرز حق مرد یا زن را در استمتاع بیان نمی‌کند و تنها اصل آن را می‌توان از ادله استنتاج کرد؛ یعنی اطلاقی در آن نیست و نمی‌توان موارد مشکوک را با آن روشن کرد.

#### ۴-۳. گستره و محدوده تمکین

بنابر حکم شرعی تمکین، زن برای استمتاع (الذت جویی) باید خود را در اختیار شوهر قرار دهد مگر مانعی وجود داشته باشد. (نجفى، ۱۴۰۴/۳۱، ۳۰۳) وجود موانعی مانند حیض، احرام، اعتکاف واجب، روزه واجب (موسوی خمینی، ۱۳۹۰/۲، ۳۱۴)، سفری که با اذن شوهر است یا سفر واجب مانند سفر برای حج واجب (موسوی خمینی، ۱۳۹۰/۲، ۳۱۴)، بیماری مقابله شوهر (خویی، ۱۳۸۳/۱، ۵۴۷)، بیماری زوجه که مانع نزدیکی باشد (نجفى، ۱۴۱۷/۳۰، ۱۶۷). به جز موانع شرعی تمکین زوجه در شریعت اسلامی اصل حق استمتاع مرد و زن، مسلم شده، اما وسعت، گستره و محدوده آن بیان نشده است. نتیجه بررسی ادله این است: «باید گفت دین آن را به عرف واگذار

کرده است و آیه شریفه: «عاشروهن بالمعروف؛ در زندگانی با زنان به انصاف رفتار کنید» (نساء: ۱۹)

نیز براین امر دلالت دارد. بنابراین، ملاک و معیار عرف، هر زمان است» (ابراهیمی، ۱۴۰۲).

یکی از حقوق دانان معتقد است: «در مورد تمکین خاص نیز عرف و اخلاق، داوری نهایی را برعهده دارد. لزوم تمکین به این معنی نیست که احساس زن به حساب نیاید. دادرسی درباره روابط عاطفی و انسانی دقیق‌تر از آن است که در قاعده و اصل بگنجد. زن در روابط زناشویی ماشین بهره‌برداری نیست. انسان است و باید با او چنان رفتار شود که شخصیت انسان اقتضا دارد. بنابراین، در این داوری نیز معیار تمیز تمکین به معنایی که حقوق و اخلاق مقرر داشته است صبغه نوعی و شخصی را با هم دارد». (کاتوزیان، ۱۳۷۸/۱، ۲۲۸) این عرف را قانون‌گذار می‌تواند به صورت قوانین اجرایی لازم‌الرعايه درآورد تا ضمانت اجرا نیز داشته باشد.

#### ۴. تمکین زوجه در حقوق

در قانون، اشاره صریحی به تمکین نشده است و حقوق دانان آن را از مضمون برخی مواد قانونی استنباط کرده‌اند. در متون قانونی تنها یک بار در ماده ۴ قانون حمایت خانواده در قالب یکی از شئون صلاحیت رسیدگی دادگاه خانواده به واژه تمکین اشاره شده است، ولی چندین ماده در قانون مدنی وجود دارد که با وجود عدم استفاده از واژه تمکین، اشاره محتوایی به این موضوع دارند. ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی در راستای اشاره به معنای تمکین خاص مقرر دارد: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند مشروط بر اینکه مهرحال باشد و این امتناع، مسقط حق نفقة نخواهد بود». افزون بر این، مواد دیگری نیز در قانون مدنی وجود دارد که وظایف مطرح شده در آنها از مصادیق تمکین عام محسوب می‌شود مانند ماده ۱۱۰۳ در مورد تکلیف زوجین به حسن معاشرت، ماده ۱۱۰۴ در مورد وظیفه زن و شوهر برای تثیید مبانی خانواده و تربیت اولاد و ماده ۱۱۱۴ و ۱۰۰۵ در مورد تکلیف زن به سکونت و اقامات در منزل و اقاماتگاه شوهر. در تشخیص مصادیق تمکین و عدم تمکین و موارد وجوب اطاعت زن از شوهر، تلقی اجتماعی و عرف، ملاک و معیار محسوب می‌شود (شیری، ۱۳۹۵؛ خدایاری نژاد،

۱۳۹۰؛ موسوی بجنوردی و میرزاپی، ۱۳۹۷)؛ زیرا فهم کتاب و سنت مبتنی بر فهم متناسب با عرف است (خمینی، ۱۴۲۱، ۷۵/۴).

## ۵. مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

### ۵-۱. دینی و اعتقادی

از بین همه ادیان الهی، دین اسلام بیشترین توجه را به بعد جنسی زندگی خانوادگی دارد و این امر را مقدس شمرده است. شهید مطهری با ایان اهمیت دادن اسلام به ازدواج و تبیین قوانین اسلام با توجه به نیازهای اسلام در عصر حاضر بیان می‌کند که «اسلام اسرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی دارای آمادگی کامل برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر باشد. در این امور زن یا مردی که کوتاهی کند مورد سرزنش و نکوهش صریح اسلام قرار گرفته است» (مطهری، ۱۳۷۲). تمکین زوجه از زوج در اسلام از نظر فقهی واجب بوده و جایگاه ویژه‌ای دارد که باعث استحکام بنیان خانواده و ترویج سبک زندگی اسلامی می‌شود.

### ۵-۱-۱. خداباوری و خدامحوری

اطاعت از شوهر و خودداری از نافرمانی او به ویژه در تمکین امور جنسی و در اموری که مخالف دستورات خداوند نباشد از وظایف اولیه زن است. آیه شریفه: «لَا يعصينك فِي مَعْرُوفٍ؛ زنان از فرمان تو در آنچه معروف است، سرپیچی نکنند» (ممتحنه: ۱۲) بر اطاعت زن از شوهر دلالت دارد. روایت ذیل در تفسیر این آیه آمده است که از موارد بیعت پیامبر ﷺ با زنان، نافرمانی نکردن از اطاعت همسران است. سعدان بن مسلم می‌گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «أتدری کیف بایع رسول الله ﷺ النساء و لاتعصين بعولتکن فی معروف أقررتن قلن نعم فأخرج يده من التور ثم قال لهن اغمسن أيديكن ففعلن؛ می‌دانی رسول خدا علیه السلام با زنان چگونه بیعت کرد. گفتم: خداوند عزوجل و فرزند رسول خدا علیه السلام بهتر می‌دانند. فرمود: آنها را اطراف خود جمع کرد، سپس ظرفی را که در آن وضو می‌گرفت، طلب کرد و امر کرد که در آن آب ریختند و دستش را در آن فرو برد. سپس فرمود: گوش فرادهید، ای زنان! با شما بیعت می‌کنم که به خداوند شرک نورزید، دزدی نکنید، زنا

نکنید، فرزنداتان را نکشید، بچه‌های حرامزاده پیش دست و پای خودتان را با بهتان و حیله به شوهر نبندید، از همسرانتان در کار نیک نافرمانی نکنید. آیا می‌پذیرید، گفتند: آری! پس دستش را از ظرف درآورد و به آنان گفت: دستتان را در این ظرف آب بزنید، آنان هم چنان کردند» (کلینی، ۱۴۰۷/۵، ۵۲۶).

روایت بالانشان از آن است که بیعت با رسول خدا ﷺ که از خداباوری نشأت می‌گیرد شرطش نافرمانی نکردن از همسر در کار نیک است. در روایتی از پیامبر ﷺ به این مضمون رسیده است که: «جihad المرأة حسن التبعل» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۰۶/۵). تبعـل به معنی پیروی از شوهر است. بنابراین، روایت بر مطلوبیت اطاعت از شوهر دلالت دارد و جهاد زن می‌داند. این اطاعت شامل اطاعت‌پذیری در امور جنسی زوجه نیز می‌شود که هر زنی که این اطاعت‌پذیری را برای خداوند انجام دهد به مقام قرب الهی می‌رسد.

#### ۵-۱-۲. اعتقاد به زندگی پس از مرگ

تمکین زوجه باعث رسیدن به درجات بالای بهشتی می‌شود: «ادخلوا الجنـة أنتـم وأزواجهـكم تـحـبـرـون؛ بـهـآـنـهـاـ خـطـابـ مـیـشـودـ شـماـ وـ هـمـسـرـاـنـتـانـ درـنـهـاـیـتـ شـادـمـانـیـ وـارـدـ بـهـشـتـ شـوـیـدـ» (زخرف: ۷۰)؛ «يـطـافـ عـلـيـهـمـ بـصـحـافـ مـنـ ذـهـبـ وـأـكـوـابـ وـ فـيـهـاـ ماـ تـشـتـهـيـهـ الـأـنـفـسـ وـ تـلـذـ الـأـعـيـنـ وـأـنـتـمـ فـيـهـاـ خـالـدـوـنـ؛ اـيـنـ دـرـحـالـیـ اـسـتـ کـهـ ظـرـفـهـاـيـ غـذاـ وـ جـامـهـاـيـ طـلـایـ شـرابـ طـهـورـ رـاـ گـرـدـاـگـردـ آـنـهـاـ مـیـگـرـدـانـدـ وـ درـ آـنـ بـهـشـتـ آـنـچـهـ دـلـهـاـمـیـ خـواـهـدـ وـ چـشمـهـاـ اـزـ آـنـ لـذـتـ مـیـ بـرـدـ، مـوـجـودـ اـسـتـ وـ شـماـ هـمـیـشـهـ درـ آـنـ خـواـهـیدـ مـانـدـ» (زخرف: ۷۱)؛ «وـ تـلـكـ الـجـنـةـ الـتـىـ أـورـثـمـوـهـاـ بـمـاـ كـنـتـمـ تـعـمـلـونـ؛ اـيـنـ بـهـشـتـیـ اـسـتـ کـهـ شـماـ وـارـثـ آـنـ مـیـشـوـیدـ بـهـ خـاطـرـ اـعـمـالـیـ کـهـ اـنـجـامـ مـیـ دـادـیدـ» (زخرف: ۷۲). اعتقاد به زندگی اخروی و توجه به این نعمت‌ها افراد را برمی‌انگیزد که رفتار خود را به سمت کسب این نعمت‌ها سوق دهند.

### ۵-۱-۳. ولایت‌پذیری

در سبک زندگی اسلامی، جامعه ورای دانش و بینش فردی و جمیعی، نوعی مدیریت و سرپرستی الهی دارد. این مدیریت برخلاف مدیریت معمول و رایج بشری، علاوه بر مسئولیت ایجاد نظم سیاسی-اجتماعی و تأمین امنیت و معاش مادی، مسئول تربیت نفوس، هدایت معنوی و معاد نیز هست و همه انسان‌ها باید براساس رهنمود ولایت عمل کنند: «إِنَّمَا وَلِيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الظَّلَامُ عَلَىٰ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ سَرِيرَتُكُمْ وَلَوْلَىٰ شَمَائِنَهَا خَدَاسَتْ وَبِيَامِنْكُمْ أَوْ وَآنَهَا كَهْ إِيمَانْ آوْرَدَهَا نَدْ. هَمَانْهَا كَهْ نَمَازْ رَابِّيَّا مَىْ دَارِنْدَ وَدَرَحَالْ رَكُوعْ، زَكَاتْ مَىْ دَهَنْدَ» (مائده: ۵۵). شأن نزول آیه، حضرت علی علیه السلام و مقصود، ولایت آن حضرت است (علامه امینی، ۱۳۸۷، ۵۲/۲). در این سبک، انسان خود را همگام با چنین ولایت و ملتزم به خواست و امر آن می‌داند به هر نسبت که قبول ولایت و امامت به شایستگی انجام پذیرد حیات، شادابی، حرکت، پویایی و مقاومت زوجین در زندگی بیشتر می‌شود. حال اگر زوجه در زندگی زناشویی و در زمینه جنسی اطاعت‌پذیری داشته باشد ولایت امامان و پیامبر ﷺ را پذیرفته است. مهمترین آیه‌ای که به آن استناد می‌شود «الرجال قوامون علی النساء» (نساء: ۳۴) است.

### ۵-۲. اجتماعی

#### ۵-۲-۱. جلوگیری از انحراف

کانون اصیل ارضی نیاز جنسی در اسلام، کانون خانواده‌هاست و راهکارهایی مانند ازدواج موقت تنها راهکارهای موقتی و مانند قرص مسکن هستند که برای فروکش کردن طغیان این غریزه جعل شده‌اند. اگر این نیاز جنسی که برخاسته از غریزه‌ای سرکش است به‌شکل کامل در محیط خانواده و با زناشویی برآورده شود زن و مرد آرام می‌شوند، نوعی مصنوبیت برای فرد و اجتماع پدید می‌آورد، این نیاز به‌شکل روابط نامشروع به فضای بیرون از خانواده کشیده نمی‌شود و فضای اخلاقی جامعه را آلوده و ناامن نمی‌کند. یکی از ابعاد اخلاقی روابط جنسی همسران این است که از گناه و فساد در روی زمین پیشگیری می‌کند. با ارضای غریزه جنسی در کانون گرم و صمیمی خانواده، این غریزه آرام می‌شود و دیگر سرکشی نمی‌کند و بسیاری از کارهای خلاف اخلاقی را

انجام نمی‌دهد. این حقیقتی است که عقل، تجربه و وجود آن را تصدیق می‌کند و در روایات نورانی اهل بیت علیهم السلام هم به شکل‌های گوناگون به آن اشاره یا تصریح شده است. رسول خدا علیه السلام می‌فرماید: «من تزوج أحرز نصف دینه . و فی حدیث آخر: فلیتق الله فی النصف الآخر أو الباقي؛ هرکه ازدواج کند نیمی از دین خود را حفظ کرده است و در حدیث دیگر آمده است: «پس باید در نیمه دیگر از خدا پروا کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۲۸/۵).

### ۵-۳. اخلاقی

#### ۵-۳-۱. احترام به اعضای خانواده

یکی از اصول مهم سعادت خانواده، احترام متقابل زن و مرد در محیط خانوادگی است. در آموزه‌های دینی سفارش شده است که هریک از مرد و زن باید به دیگری احترام بگذارد. خداوند در قرآن کریم توصیه می‌کند که با همسران خود رفتار شایسته‌ای داشته باشید: «عاشروهن بالمعروف؛ با آنان به طور شایسته رفتار کنید» (نساء: ۱۹). زن باید شوهرش را تکریم کند، با او خوش‌رفتار باشد تا خوشبختی خود، همسر و فرزندانش را تضمین کند. امام صادق علیه السلام درباره وجوب اکرام شوهر ازسوی همسرش و احترام گذاشتن به او می‌فرماید: «ملعونة ملعونة امرأة تؤذى زوجها و تغمه و سعيدة سعيدة امرأة تكرم زوجها ولا تؤذيه و تطيعه في جميع أحواله؛ از رحمت خدا به دور است زنی که شوهر خود را اذیت کند و ناراحتی نماید و سعادتمند است زنی که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و او را در همه حال اطاعت کند» (کراجکی، بی‌تا، ۱۴۴/۱) اطاعت زوجه در مسائل جنسی نیز یکی از مصادیق احترام به همسراست. اگر احترام به همسر رعایت نشود امیدی به سعادت و خوشبختی زندگی نیست و زمینه بروز اختلافات هموار می‌شود.

### ۶. نتیجه‌گیری

براساس ادله قرآن و سنت در اسلام لزوم تمکین زوجه پذیرفته شده است. فرمانبری زنان از مردان در امور جنسی مورد اتفاق همه دانشمندان فقهی است. در بررسی فقهی ادله لزوم تمکین زوجه،

حد و مرز حق مرد یا زن در استمتاع بیان نشده و تنها اصل آن را می‌توان از ادله استنتاج کرد؛ یعنی اطلاقی در آن نیست و نمی‌توان موارد مشکوک را با آن روشن کرد. دربحث گستره و محدوده تمکین غیر از موانع شرعی تمکین زوجه آمده است که در شریعت اسلامی، اصل حق استمتاع مرد و زن مسلم شده، اما وسعت، گستره و محدوده آن بیان نشده است. نتیجه بررسی ادله این است که دین آن را به عرف واگذار کرده است. آیه «عاشروهن بالمعروف؛ در زندگانی با زنان به انصاف رفtar کنید» (نساء: ۱۹) نیز بر این امر دلالت دارد. از بین همه ادیان الهی، دین اسلام بیشترین توجه را به بعد جنسی زندگی خانوادگی دارد و این امر را مقدس شمرده است. در نتیجه، اطاعت پذیری زوجه در مسائل جنسی، تعالی و پیشرفت در سبک زندگی اسلامی و درنهایت به لقای الهی و بصیرت و آرامش روانی زوجین منتهی می‌شود.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (بی‌تا). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. بی‌نا: بی‌جا.
- ۱. ابراهیمی، بی‌بی رحیمه (۱۴۰۲). گستره تمکین خاص زوجه و مقدمات آن در تنوع عرف‌ها از منظر فقه امامیه. نشریه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱(۶)، ۱۴۰-۱۲۳.
- ۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۲۰). تفسیر القرآن العظیم. مکه: دارالطبیبه.
- ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر، دارصادر.
- ۴. بستان نجفی، حسین (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سمت.
- ۵. جرجانی، علی بن محمد (۱۳۰۴). التعريفات. بیروت: دارالكتب العلمیه.
- ۶. حرعامی (۱۴۱۶). وسائل الشیعه. قم: آل‌البیت.
- ۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (بی‌تا). تاج العروس من جواهر القاموس. کویت: دارالهدایه.
- ۸. حلی، حسن ابن یوسف بن مطهر (بی‌تا). تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه. بی‌جا: بی‌نا.
- ۹. حلی، محمد بن منصور بن احمد ادریس (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۰. خدایاری نژاد، طاهره (۱۳۹۰). تمکین خاص و آثار حقوقی آن. نشریه تحقیقات زنان، ۲۵(۲)، ۱-۱۴.
- ۱۱. خراسانی، آخوند شیخ محمد کاظم (بی‌تا). کفایه الاصول. قم: مؤسسه آل‌البیت لائیلا لایحاء التراث.
- ۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
- ۱۳. زیدان، عبدالکریم (۱۴۱۹). الوجیز فی اصول الفقه. تهران: احسان.
- ۱۴. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۵). حقوق خانواده: ازدواج، طلاق، فرزندان. تهران: سمت.
- ۱۵. صابونی، محمدعلی (۱۴۰۰). روایت البیان تفسیر آیات الاحکام. دمشق: مکتبه الغزالی.
- ۱۶. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۴). العروة الوثقی مع التعليقات. قم: اسماعلیان.

۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، (بی‌تا). *جامع البيان*. بی‌جا: بی‌نا.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. تهران: چاپخانه حیدری.
۲۱. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (۱۴۱۳). *مسالک الافهام الی تدقیق شرایع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۲. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (بی‌تا). *روضه البیهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. بی‌جا: بی‌تا.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا). *المصباح المنیر*. بی‌جا: منشورات دارالرضی.
۲۴. کاتب‌زیان، ناصر (۱۳۷۸). *حقوق خانواده*. تهران: بی‌نا.
۲۵. کرجکی، شیخ محمد بن علی (بی‌تا). *کنز الفوائد*. بیروت: دارالاضواء.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الكافی*. تهران: انتشارات اسلامیه.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۸. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرایع السلام فی مسائل حلال والحرام*. قم: مؤسسه اسماعلیان.
۲۹. مشکینی، میرزا علی (۱۳۷۱). *اصلاحات الاصول و معظم ایجادها*. قم: نشر الهادی.
۳۰. مصطفوی، حسن (بی‌تا). *التحقيق فی کلمات القرآن*. بی‌جا: بی‌نا.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *تعلیم و تربیت از نظر اسلام*. قم: انتشارات صدرا.
۳۲. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا). *زبدہ البيان فی احکام القرآن*. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. موسوی بجنوردی، سید محمد، و محمد علی میرزا بی‌ی، طاهره (۱۳۹۷). *تأثیر زمان و مکان بر نشووز زوجه و ضمانت اجرایی آن با تکیه بر آرای امام خمینی (جع)*. نشریه متین، ۱، ۷۹-۲۵.
۳۵. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (جع).
۳۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (جع).
۳۷. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). *کتاب النکاح*. قم: مدرسه دارالعلم.
۳۸. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الكلام فی شرایع الاسلام*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.